

روزنامه سلاخی علیه استبداد قجری

۵ خرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۱۳

اما در این بین قدیمی ترین روزنامه ای که به زبان فارسی در خارج از کشور منتشر می گردید روزنامه ی اختر بود که در امپراتوری عثمانی منتشر می گردید. این روزنامه توسط معین الملک سفیر ایران در عثمانی و با کمک مالی دولت ایران راه اندازی شد. مدیر نشریه محمد طاهر تبریزی و سردبیر آن میرزا نجف علی خان خویی بود. شماره ی اول این روزنامه در پنج شنبه ۱۶ ذیحجه ی ۱۲۹۲ قمری منتشر گردید و در حدود بیست و سه سال به کار خود ادامه داد. این روزنامه نقش به سزایی در بیداری ایرانیان داخل و خارج از کشور داشت و به شدت مورد توجه بزرگان کشور بود.

اما در این بین قدیمی ترین روزنامه ای که به زبان فارسی در خارج از کشور منتشر می گردید روزنامه ی اختر بود که در امپراتوری عثمانی منتشر می گردید. این روزنامه توسط معین الملک سفیر ایران در عثمانی و با کمک مالی دولت ایران راه اندازی شد. مدیر نشریه محمد طاهر تبریزی و سردبیر آن میرزا نجف علی خان خویی بود. شماره ی اول این روزنامه در پنج شنبه ۱۶ ذیحجه ی ۱۲۹۲ قمری منتشر گردید و در حدود بیست و سه سال به کار خود ادامه داد. این روزنامه نقش به سزایی در بیداری ایرانیان داخل و خارج از کشور داشت و به شدت مورد توجه بزرگان کشور بود.

دومین روزنامه ی قدیمی تبعیدی عروۃ الوثقی بود که توسط سید جمال الدین اسدآبادی منتشر می گشت. آغاز به کار این روزنامه در سال ۱۳۰۰ هجری قمری است که بیشتر محتوای آن در جهت اتحاد جهان اسلام بود. به دلیل شرایط جلوگیری از نشر افکار آزادی خواهانه در هر زمینه در آن دوره ی زمانی سید جمال الدین گامی نو برداشت و در جهت آگاهی جهان اسلام و مردم ایران دست به فعالیت شدید در عرصه ی مطبوعاتی پرداخت.

سید جمال در یکی از مقالات خود در روزنامه ی عروۃ الوثقی شرایط مردم تحت سلطه ی حکومت استبدادی را این گونه تشریح می کند:

"ملتى كه در حل و فصل امور خود دخالت ندارد و در منافع وى از وى مشورت گرفته نمى شود

و در مصالح عامه، اراده ی آن را تاثيرى نيست و اين همه تابع حكم واحدی است كه اراده ی آن

قانون و خواست وی همان نظام است و طوری که می خواهد فرمان می دهد و آنچه را که اراده

کند انجام می دهد، آن ملتی است که وضع ثابت و سیر منظمی ندارد"

این روزنامه ها پس از ورود از مرز ایران توسط واسطه ها در شهر های مرکزی در محافل روشنفکری راه پیدا می کرد و منبع بسیاری از نقد ها و سخنرانی ها می شد. بخش عمده ای از محتویات این روزنامه ها در راستای روشنگری در باب وضعیت ایران و نقد حکومت بود و بخش دیگر به بحث درباره ی وضعیت کشور های اروپایی می پرداخت تا علاوه بر روشن شدن میزان عقب ماندگی ایران نسبت به اروپا نقد غیر مستقیمی را نیز بر وضعیت کشور وارد کند.

این روزنامه ها هر چند با اختلاف زمانی زیادی نسبت به تاریخ چاپ در اختیار مخاطبین خود در ایران قرار می گرفت اما باز مخاطبان و تاثیر خود را داشت. هر چند تیراژ این روزنامه نیز پایین بود اما باز همان نسخه های محدود دست به دست و از محفلی به محفل دیگر و از فعالی به فعال دیگر می رسید تا نکات آن در سرتاسر کشور پخش شود.

می توان از محتوای روشنگرانه ی این دست از روزنامه ها به این بخش از سرمقاله ی روزنامه ی قانون اشاره کرد:

"ایران مملو از نعمات خداداد است چیزی که همه ی این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است هیچ کس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست. حاکم تعیین می کنیم بدون قانون سرتیپ معزول می کنیم بدون قانون حقوق دولت را می فروشیم بدون قانون بندگان خدا را حبس می کنیم. خزانه می بخشیم بدون قانون شکم پاره می کنیم بدون قانون در هند در پاریس در تفلیس در مصر در اسلامبول حتی در میان ترکمن هر کس می داند که حقوق و وظایف او چیست در ایران احدی نیست که بداند تقصیر چیست و خدمت کدام فلان مجتهد را به چه قانون اخراج کردند. مواجب فلان سرتیپ را به کدام قانون قطع کردند. فلان وزیر را به کدام قانون مغضوب کردند. فلان سفیر به کدام علت خلعت پوشید. هیچ امیر و هیچ شاهزاده ای نیست که از شرط زندگی خود به قدر غلامان سفرای خارجه اطمینان داشته باشد. حتی برادران و پسران پادشاه نمی دانند فردا صبح به عراق عجم مخفی خواهند شد یا به ملک روس فرار خواهند کرد."

در همین راستا و برای تاثیر گذاشتن بر مردم روزنامه ی پرورش مستعد بود و مقالات متعددی منتشر می کرد. در شماره ی بیستم این روزنامه مطلبی با استناد به آیات قرآن منتشر شده که بخشی از آن در این جا آورده می شود: "چند حاجی برای مشورت در کاری مجلسی تشکیل داده اند. حاجی رضای بزاز مجلس را افتتاح کرده در فواید مشورت صحبت نموده و می گوید: ((قال الله تبارک و تعالی امرهم شورای بینهم)) کما قال عز و جل و شاور هم فی الامر ... نص صریح کتاب و شریعت حضرت ختمی مآب است که در هر طریق رفیق مشورت باید بود و در امور جمهوری شوری کرد ... خداوند در قرآن طریقه ی استبداد و خودخیالی را منسوخ فرموده و مکرر به کنایه از آن حکایت می کند. مثلاً بلقیس ملکه ی سبا به اشراف قومش خطاب کرده می گوید: ((یا ایها الملاء افتونی فی امری ما کنت قاطعاً امر حتی تشهدون)) یعنی در امر من فتوی بدهید زیرا من بدون صوابدید شما امری قطع

نمی‌کنم. هم باز در قصه موسی و فرعون می‌فرماید: (([قال الملائمة من قوم فرعون إن هذا لساحر عليم يريد أن يخرجكم من أرضكم](#)
[فماذا تأمرون](#))) یعنی اشراف قوم از برای بعضی دیگر گفتند موسی ساحر دانایی است می‌خواهد خاک شما را از شما بستاند در
 این چه می‌گویید؟))"

شاید درک این مطلب برای مخاطب کنونی در عصر حاضر که با مراجعه به مراجع گوناگون خبری به خصوص سایت های خبری
 فراوان کمی دشوار باشد ولی چنین نقدی در شرایط استبداد قجری در کنار شرایط اجتماعی و میزان آگاهی اجتماع ایران در آن
 دوره بسیار مهم است. نقدی چنین صریح به حکومت نشان دهنده ی اهمیت ترقی ایران در آن زمان برای انقلابیون دور از خانه
 است.

ادامه دارد . . .

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۵۴۸/روزنامه-سلاح-عليه-استبداد-قجری>